

اسطوره‌های موازی

ج. ف. بیرلین

ترجمه‌ی عباس مخبر

۱	در باره نویسنده
۲	پیشگفتار
۳	بخش اول - دعوت به اسطوره
۴	از مقدمه
۵	اسطوره چیست؟
۶	زبان و اسطوره
۷	زمان و اسطوره
۸	تاریخ و اسطوره
۹	اسطوره‌شناسی
۱۰	انواع اسطوره‌شناسی
۱۱	مشهور مقدس
۱۲	تفسیر اسطوره‌شناسی
۱۳	اسطوره‌شناسی و فرهنگ
۱۴	اسطوره‌شناسی و ادبیات
۱۵	اسطوره‌شناسی و تاریخ
۱۶	اسطوره‌شناسی و روانشناسی
۱۷	اسطوره‌شناسی و فلسفه
۱۸	اسطوره‌شناسی و جامعه‌شناسی
۱۹	اسطوره‌شناسی و هنر
۲۰	اسطوره‌شناسی و سینما
۲۱	اسطوره‌شناسی و موسیقی
۲۲	اسطوره‌شناسی و بازیافت
۲۳	اسطوره‌شناسی و معماری
۲۴	اسطوره‌شناسی و ورزش
۲۵	اسطوره‌شناسی و بازی
۲۶	اسطوره‌شناسی و بازیگری
۲۷	اسطوره‌شناسی و تئاتر



نشر مرکز

فهرست

۱	درباره نویسنده
۳	پیشگفتار
۵	بخش اول — دعوت به اسطوره
۷	۱- مقدمه
۷	اسطوره چیست؟
۱۱	زبان و اسطوره
۱۸	زمان و اسطوره
۲۶	تاریخ و اسطوره
۲۹	اسطوره مدنی
۳۱	اخلاق و اسطوره
۳۳	مفهوم مقدس
۳۵	۲- قالب‌ریزی شخصیت‌ها
۳۵	مجمع خدایان یونانی و رومی
۴۱	مجمع خدایان اسکاندیناوی
۴۳	خدایان هند
۴۵	مجمع خدایان مصری
۴۶	مجمع خدایان هاوایی
۴۷	مجمع خدایان آزتک

بخش اول

دعوت به اسطوره

زندگی دره‌ای است
میان قله‌های سرد و سترون دوجاودانگی.
با صدای بلند فریاد می‌کشیم
و تنها پاسخی که می‌شنویم
انعکاس این فریاد است.
از لب‌های بی‌صدای مردگان خاموش،
کلامی به گوش نمی‌رسد،
اما در شب احتضار،
امید،
ستاره‌ای رؤیت می‌کند
و عشق
صدای حرکت دو بال را می‌شنود.
این اسطوره‌ها از امید زاده شدند
و از ترس‌ها و اشک‌ها و لبخندها،
و درآمیختند با هر آنچه شادی و اندوه است،
از سپیده‌دم امیدبخش ولادت تا شام حزن‌انگیز احتضار.
آنها بر تن ستارگان لباس شور و عاطفه پوشاندند
و به خدایان نسبت دادند
خطا و لغزش فرزندان انسان را.
در آنها بادها و امواج به هیأت موسیقی درآمدند
و همه دریاچه‌ها، جویبارها، چشمه‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها
و دره‌های عطرآگین در هیأت یک‌هزار پری به دام افتادند.
رابرت جی. اینگرسول (۱۸۹۹-۱۸۳۳)